

## نگاهی به زندگانی امام جواد علیه السلام

آگاهیهای تاریخی درباره زندگی امام جواد علیه السلام چندان گسترده نیست...



آگاهیهای تاریخی درباره زندگی امام جواد علیه السلام چندان گسترده نیست؛ زیرا افزون بر آن که محدودیتهای سیاسی همواره مانع از انتشار اخبار مربوط به امامان معصوم علیه السلام می گردید، تقیه و شیوه های پنهانی مبارزه که برای " حفظ امام و شیعیان از فشار حاکمیت" بود، عامل مؤثری در عدم نقل اخبار در منابع تاریخی است. افزون بر آن، زندگی امام جواد علیه السلام چندان طولانی نبوده است که اخبار فراوانی هم از آن در دسترس ما قرار گیرد.

و نیز گفتنی است، زمانی که امام رضا علیه السلام به خراسان برده شد، هیچ یک از اعضای خانواده خود را به همراه نبرد و در آنجا تنها زندگی می کرد. و از اخبار مربوط به شهادت امام رضا علیه السلام چنین بر می آید که امام جواد علیه السلام آن هنگام در مدینه اقامت داشت و تنها برای غسل پدر و اقامه نماز به آن حضرت در طوس حضور یافت. هنگامی که مأمون بعد از شهادت امام رضا علیه السلام در سال 204 به بغداد بازگشت، از ناحیه حضرتش اطمینان خاطر پیدا کرده بود، ولی این را می دانست که شیعیان پس از امام رضا علیه السلام فرزند او را به امامت خواهند پذیرفت و در این صورت خطر همچنان بر جای خود خواهد ماند. او سیاست کنترل امام کاظم علیه السلام توسط پدرش را- که او را به بغداد آورده و زندانی کرده بود- به یادداشت و با الهام از این سیاست، همین رفتار را با امام رضا علیه السلام در پیش گرفت، ولی با ظاهری آراسته و فریبکارانه، به گونه ای که می کوشید نه تنها در ظاهر امر مسأله زندان و مانند آن در کار نباشد، بلکه با برخورد دوستانه، چنین تبلیغ شود که او علاقه و محبت ویژه نیز به ایشان دارد. اینک نوبت امام جواد علیه السلام فرا رسیده بود تا به نحوی کنترل شود. مأمون برای انجام این هدف، دختر خود را به عقد وی درآورد و او را داماد خود کرد. از همین رهگذر بود که مأمون به راحتی می توانست از طرفی امام را در کنترل خود داشته باشد و از طرف دیگر آمد و شد شیعیان و تماس های آنان را با آن حضرت زیر نظر بگیرد.

بر اساس برخی نقلها، مأمون پس از ورود به بغداد- در سال 204- بلافاصله امام جواد علیه السلام را از مدینه به بغداد فراخواند. افزون بر این، مأمون متهم بود که امام رضا علیه السلام را به شهادت رسانده است. اکنون می بایست با فرزند وی به گونه ای رفتار کند که از آن اتهام نیز مبری شود.

از روایتی که شیخ مفید از ریان بن شیبب نقل کرده، چنین بر می آید: موقعی که مأمون تصمیم به ازدواج ام فضل با امام جواد علیه السلام گرفت، عباسیان برآشفتنند؛ زیرا ترس آن داشتند که پس از مأمون، خلافت به خاندان علوی برگردد، چنانکه درباره امام رضا علیه السلام هم به سختی دچار همین نگرانی شده بودند. ولی به طوری که از دو روایت فوق برمی آید، آنان مخالفت خود را به گونه دیگری وانمود کرده و گفتند: دختر خود را به ازدواج کودکی درمی آورد که: "لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا يَعْرِفُ حَلَالَهُ مِنْ حَرَامِهِ وَلَا فِرْضاً مِنْ سُنَّتِهِ"؛ کودکی که تفقه در دین خدا ندارد، حلال را از حرام تشخیص نمی دهد و واجب را از

مستحب باز نمی شناسد. مأمون در مقابل این برخورد، مجلسی برپا کرد و امام جواد علیه السلام را به مناظره علمی با یحیی بن اکثم، بزرگترین دانشمند و فقیه سنی آن عصر، فراخواند تا بدین وسیله مخالفان و اعتراض کنندگان عباسی را به اشتباه خود آگاه کند. این در حالی بود که بنا به این دو روایت، هنگام عقد ازدواج ام فضل با امام جواد علیه السلام هنوز به آن حضرت " صبی" اطلاق می شده است.

مکتب علمی امام جواد علیه السلام می دانیم که یکی از ابعاد بزرگ زندگی ائمه ما، بعد فرهنگی آنها است. این پیشوایان بزرگ هرکدام در عصر خود فعالیت فرهنگی داشته در مکتب خویش شاگردانی تربیت می کردند و علوم و دانشهای خود را توسط آنان در جامعه منتشر می کردند، اما شرایط اجتماعی و سیاسی زمان آنان یکسان نبوده است، مثلاً در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شرایط اجتماعی مساعد بود و به همین جهت دیدیم که تعداد شاگردان و روایان حضرت صادق علیه السلام بالغ بر چهار هزار نفر می شد، ولی از دوره امام جواد تا امام عسکری علیه السلام به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت آنان بسیار محدود بود و از این نظر تعداد روایان و پرورش یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان حضرت صادق علیه السلام کاهش بسیار چشمگیری را نشان می دهد.

بنابراین اگر می خوانیم که تعداد روایان و اصحاب حضرت جواد علیه السلام قریب صد و ده نفر بوده اند و جمعا 250 حدیث از آن حضرت نقل شده . ، نباید تعجب کنیم، زیرا از يك سو، آن حضرت شديداً تحت مراقبت و کنترل سیاسی بود و از طرف دیگر، زود

به شهادت رسید و به اتفاق نظر دانشمندان بیش از بیست و پنج سال عمر نکرد! درعین حال، باید توجه داشت که در میان همین تعداد محدود اصحاب و روایان آن حضرت، چهره های درخشان و شخصیت های برجسته ای مانند: علی بن مهزیار، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، زکریا بن آدم، محمد بن اسماعیل بن بزيع، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن خالد برقی بودند که هر کدام در صحنه علمی و فقهی وزنه خاصی به شمار می رفتند، و برخی دارای تالیفات متعدد بودند.

از طرف دیگر، روایان احادیث امام جواد علیه السلام تنها در محدثان شیعه خلاصه نمی شوند، بلکه محدثان و دانشمندان اهل تسنن نیز معارف و حقایقی از اسلام را از آن حضرت نقل کرده اند. به عنوان نمونه «خطیب بغدادی» احادیثی با سند خود از آن

حضرت نقل کرده است. هم چنین حافظ «عبد العزیز بن اخضر جنابذی» در کتاب «معالم العترة الطاهرة» . و مؤلفانی نیز مانند: ابو بکر احمد بن ثابت، ابواسحاق ثعلبی، و محمد بن منده بن مهرید در کتب تاریخ و تفسیر خویش روایاتی از آن حضرت نقل کرده‌اند.